

بزنتلی بر سر راهی است که در سراسر تاریخ اهمیت داشته، و از تیره همواره از نظر نظامی و تجاری توقفگاه مهمی بوده است. در وقایعنامه‌های جنگهای صلیبی گفته می‌شود که سپاهیان از دره بوئنتروت^۱ (بودندرون، بوترتنوم) عبور کردند (د.ا. ترک، ذیل «پوزانتی»). لودویک فن راوتر^۲ نیز که در قرن دهم/ شانزدهم به بیت المقدس رفته است، از مکانی به نام بوئنتروتی^۳ نام می‌برد که ظاهراً همان پوزانتی است. حاجی خلیفه فقط به ذکر عنوان «کاروانسرای کنار رود چکید» اکتفا کرده است. در منابع قرنهای بعد آگاهی بیشتری وجود ندارد. در نقشه ر. کپورت، این نقطه «بزنتلی خان» (کاروانسرای بزنتلی) آمده است که نشان می‌دهد بزنتلی در اواخر قرن سیزدهم منزلگاهی بیش نبوده است. در اوایل قرن چهاردهم/ بیستم، هنگام احداث راه آهن بغداد بر اهمیت آن افزوده شد. در سالهای مبارزات ملی ترکیه [۱۳۳۸-۱۳۴۲ (ش/ ۱۳۰۳-۱۹۲۰/ ۱۹۲۴)] و در جنگ برای بیرون راندن فرانسویان که ادنه را اشغال کرده بودند، سهم مهمی داشت (همانجا).

۲) شهر بزنتلی. مرکز شهرستان (جمعیت در ۱۳۶۹ ش/ ۱۹۹۰، ۷'۸۹۲ تن). در دامنه سمت راست دره عمیق مسیر رودخانه چکید قرار دارد (د. ترک، همانجا). آثار تاریخی این شهر مسجد و چشمه احمد جمال پاشا و پل شکر پیناری و بقایای قسمتی از قلعه قدیمی این شهر است (همانجا).

منابع:

Ana Britannica: Genel Kültür Ansiklopedisi, Istanbul 1990; 1990 Genel Nüfus Sayımı, Ankara 1991; 44, s.v. "Pozanti" (by Metin Tuncel); TA.

/ علی کاتبی /

بَزَنْطَلِی، اَحْمَد بن مُحَمَّد، صحابی امام هفتم و هشتم و نهم و از محدثان و فقهای برجسته شیعه در روزگار خود و نیز از اصحاب اجماع^۵. وابستگی (ولاء) او به قبیله سکون، از شاخه‌های بزرگ قبیله کَندَه یمن، مورد اتفاق است (نجاشی، ص ۷۵؛ طوسی، ۱۳۵۱ ش، ص ۳۶، پانویس؛ کُشی، ش ۱۱۰۲؛ تستری، ج ۱، ص ۵۶۳-۵۶۶). شیخ طوسی (ص ۳۶) کنیه او را ابوجعفر و به احتمال ابوعلی نقل کرده و می‌گوید که به بزنتلی شهرت دارد (نیز به ابن شهر آشوب، ص ۱۰؛ مامقانی، ج ۱، ص ۷۷). نام جد اول و دومش بترتیب عمرو و زید بوده است که برای اختصار، غالباً نام اول را حذف می‌کنند و به جای زید نیز کنیه او، ابی نصر، را می‌آورند. گاهی نیز از بزنتلی با عنوان «ابن ابی نصر» یاد می‌کنند (مامقانی، همانجا). درگذشت او

به اتفاق آرا در ۲۲۱ بوده است. کلام نجاشی (همانجا) در این باره متناقض است که مامقانی (ج ۱، ص ۷۸) و تستری (ج ۱، ص ۵۶۷) بدان اشاره کرده‌اند. یقیناً او از اصحاب مورد توجه و محترم حضرت موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجراد - علیهم السلام - است (نجاشی؛ طوسی، همانجا؛ کُشی، ش ۱۰۹۹ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۲).

هرچند سمعانی درباره نسبت بزنتلی سخن نگفته است، ولی به تصریح ابن ادریس حلی (ج ۳، ص ۵۵۳؛ و به نقل از او: مامقانی، ج ۱، ص ۷۷)، منسوب به نام جایی و نام نوعی پارچه نیز هست و ظاهراً «مغرب «بیزانسی» است (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۳۲۲).

بزنتلی پس از رحلت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، اندک زمانی واقفی بوده و اعتقاد به زنده بودن ایشان داشته است، ولی بعد از مکاتبه با امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و ظهور برخی معجزات، از مذهب واقفی عدول کرده است. در این باره شیخ طوسی در کتاب الغیبه (ص ۴۷) و قطب راوندی در خرائج (ج ۲، ص ۶۶۲) و مجلسی در بحار (ج ۴۹، ص ۳۶ و ۴۸) سخن گفته‌اند. کُشی (ش ۱۰۵۰) او را در شمار شش فقیه مهم از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام، نام برده و این شش تن طبقه سوم اصحاب اجماع را تشکیل می‌دهند. و نیز، به گفته شیخ طوسی (عده الاصول، ج ۱، ص ۳۸۶-۳۸۷) به دلیل آنکه او و چند تن دیگر فقط از افراد ثقه، نقل روایت می‌کنند، روایات مرسل آنها در حکم روایات مُسند است.

ابن ندیم (ص ۲۷۶) آثار او را چنین شمرده است: کتاب ما رواه عن الرضا علیه السلام؛ کتاب الجامع؛ کتاب المسائل.

شیخ طوسی در الفهرست (همانجا) دو کتاب نخست را نام برده ولی به جای کتاب المسائل کتاب دیگری به نام النوادر را ذکر کرده است و نجاشی (ص ۵۴) علاوه بر کتاب الجامع، دو کتاب نوادر را از آثار او یاد کرده است (نیز به کحاله، ج ۲، ص ۱۰۴؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۴۷؛ زرکلی، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۲۷، ج ۶، ص ۳۱۲، ج ۲۴، ص ۳۲۱). بیش از هشت روایت از او (با قید «بزنتلی» یا بدون آن) نقل شده است که در ابواب مختلف اعتقادی و فقهی در کتب اربعه شیعه مورد استفاده و استناد قرار گرفته است (اردبیلی، ج ۱، ص ۵۹-۶۱؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۳۶، ۲۴۳).

در معجم رجال الحديث (همان، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۱، ص ۶۲۴-۶۲۶)، نام حدود یکصد تن که او از ایشان نقل روایت کرده و نام حدود چهل تن که از او روایت کرده‌اند آمده است. چون وفات او در ۲۲۱ و یک سال پس از رحلت امام جواد

1. Bothentrot (Bodendron, Butrerntum)

2. Ludwig von Rauter

3. Poschtzeschy

نام برده شده، احتمال داده است که او از سفیران آن حضرت نیز بوده است (۱۳۷۹-۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۱۱۹-۱۲۰). از نامه ابوالعباس سیرافی به نجاشی دانسته می‌شود که بزوفری تا سال ۳۵۲ زنده بوده است (نجاشی، ج ۱، ص ۱۷۳).

نوری (ج ۳، ص ۵۲۱)، علاوه بر ابوعبدالله بزوفری، فرزند او ابوجعفر محمد بن حسین را نیز از مشایخ مفید یاد می‌کند. و این همان کسی است که دعای ندبه، که خواندن آن در میان شیعیان خصوصاً در روزهای جمعه متداول است، از کتاب او نقل شده است (مجلسی، ج ۹۹، ص ۱۰۴). تستری (۱۳۶۵) ش، ص ۱۱۱-۱۰۹ به مناسبت بررسی سند این دعا هر دو احتمال صدور آن از شخص امام زمان، و انشای خود بزوفری را مطرح کرده است.

احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری، پسر عموی حسین بن علی نیز در شمار مشایخ اجازات حدیثی نام برده می‌شود. به گفته شیخ طوسی (ص ۴۴۳-۴۴۴) تلخیصی در ۳۶۵ از او استماع حدیث کرده و اجازه گرفته است.

متابع: عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محمد تقی تستری، «پاسخ معقول و منطقی به یک سؤال»، نور علم، دوره ۲، ش ۵ (شهریور ۱۳۶۵)؛ همو، قاموس الرجال، تهران ۱۳۷۹-۱۳۹۱؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ عنایة الله قهپائی، مجمع الرجال، چاپ ضیاء الدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ افت ش [بی‌تا]؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی نجف ۱۳۴۹-۱۳۵۲؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، چاپ محمد جواد نائینی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۸-۱۳۲۱، چاپ افت تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۳؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ فردیناند روستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ افت تهران ۱۹۶۵.

/ حسن طارمی /

بَزَه ← بَسَطَه

بزه ← جرم

بُزِیغ (بزیغ موذن) ← بزیغیه

بَزِیغِیَه (یا بَزِیغِیَه)، پیروان بُزِیغ (یا بُزِیغ) بن موسی. نام او در مقالات الاسلامیین اشعری و التَّرقِی تَبیین النِّزَاقِ بغدادی و التَّهْدِی والتَّارِیخ مقدسی، با «ع» و در کتب شیعه و ملل و نحل شهرستانی با «ع» آمده است. اشعری (ص ۱۲) بزیغیه را فرقه

علیه السلام است، محضر حضرت هادی را درک نکرده و از اصحاب ایشان شمرده نشده است.

متابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن ادریس حلی، کتاب السرائر، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن ندیم، کتاب الفهرست، چاپ رضا نجده، تهران ۱۳۵۰ ش؛ محمد بن علی اوردیلی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطُّرق و الاسناد، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ اسماعیل بغدادی، هدیة المارفين، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۵، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ محمد تقی تستری، قاموس الرجال، قم ۱۴۱۰؛ ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶؛ محمد بن حسن طوسی، عُدَّة الاصول، چاپ محمد مهدی نجف، قم ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، الفهرست، چاپ محمود رامیار، چاپ افت مشهد ۱۳۵۱ ش؛ همو، کتاب الغیبة، نجف [بی‌تا]؛ سعید بن هبة الله قطب راوندی، الخرائج و الجرائع، قم ۱۴۰۹؛ عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ افت بیروت [بی‌تا]؛ محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی نجف ۱۳۴۹-۱۳۵۲؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشهور بر رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷.

/ محمود مهدوی دامغانی /

بَزَوْقَرِی، شهرت چند تن از محدثان و علمای امامیه، منسوب به قریه بَزَوْقَر واقع در غرب دجله، نزدیک واسط (یاقوت حموی، ج ۱، ص ۶۰۷؛ مامقانی، ج ۱، بخش ۲، ص ۵۲). مشهورترین آنان ابوعبدالله حسین بن علی بن سفیان از مشایخ مفید، ابن غضایری، احمد بن عبدون، ابوالعباس سیرافی و تَلْکَبْرِی است. نجاشی، حسین بن علی را با عنوان «ثقه» و «جلیل» و «شیخ فاضل» وصف کرده و کتابهای او را نام برده است: الرد علی الواقفه، الحج، ثواب الاعمال، احکام العیبد، سیره النبی و الائمه فی المشرکین؛ و می‌افزاید که این کتابها را نزد شیخ مفید و ابن عبدون خوانده و روایت کرده است (ج ۱، ص ۱۷۳، ۱۸۸-۱۸۹، ۲۰۲، ۳۲۲). افندی اصفهانی (ج ۲، ص ۱۵۲) ضمن نقل مطالب نجاشی، شهرت او را بَزَوْقَرِی ثبت کرده است. شیخ طوسی نیز در رجال خود او را نام برده و افزوده که نام کتابهایش را در الفهرست آورده است، ولی در این کتاب اثری از نام او دیده نمی‌شود (طوسی، ص ۴۶۶؛ مامقانی، ج ۱، بخش ۲، ص ۳۳۸؛ تستری، ۱۳۷۹-۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ قهپائی، ج ۲، ص ۱۹۰). تستری براساس یکی از توقیعات امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، که در آن از ابوعبدالله بزوفری